

سرمایه اجتماعی گامی به سوی توسعه اجتماعی

مصطفی خسروی^۱

^۱ عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران

چکیده

اساساً سرمایه اجتماعی مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها و شناخت ها (درک ها) است که همکاری درون گروه ها و بین گروه ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می کند. در سال های اخیر یکی از مفاهیمی که مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان دنیا قرار گرفته است، واژه سرمایه اجتماعی می باشد. تا جایی که، بسیاری از اقتصاددانان بر این عقیده اند که سرمایه اجتماعی حلقه مفقوده کشورهای عقب مانده برای رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی شان است. آنان عقیده دارند که افزایش روابط مبتنی بر اعتماد و مشارکت های اجتماعی گروهی، سبب رشد و حتی توسعه کشورهای عقب مانده خواهد شد. این مقاله با استفاده از روش مرور مطالعات پیشین و بررسی شواهد مطالعه شده سایرین، به گونه ای تحلیلی به بیان نقش سرمایه اجتماعی در شکل گیری توسعه اجتماعی می پردازد. چارچوب کلی مقاله توصیفی است و روش اسنادی و مرور در تدوین آن بکار رفته است. در این مقاله تلاش شده است در گام نخست با بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از مفاهیم سرمایه اجتماعی، توسعه ی اجتماعی و تحلیل این تعاریف، ضمن شناسایی ابعاد مختلف این مفاهیم، تعریفی جامع از آن ها ارائه شود و در گام بعد تلاش شد با شناسایی و بررسی شاخص های متعددی که برای سنجش این مفاهیم از سوی سازمان های مختلف ارائه شده است، جامع ترین شاخص موجود در زمینه ی سرمایه اجتماعی و توسعه ی اجتماعی شناسایی گردد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بین فاکتورهای سرمایه اجتماعی و آماده سازی بستر توسعه اجتماعی در هر جامعه ای ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

واژه های کلیدی: توسعه، توسعه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، شبکه اعتماد

مقدمه

سرمایه اجتماعی بر خلاف سایر سرمایه ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حامل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می تواند موجب پایین آمدن سطح هزینه های مدیریتی جامعه و نیز هزینه های عملیاتی و معاملاتی واحدهای اقتصادی شود. سرمایه اجتماعی عمدتاً با دو مفهوم کلیدی و بسیار اساسی در ارتباط است. یکی از مفاهیم در راستای تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی «شبکه اعتماد» است. «شبکه اعتماد» عبارت است از گروهی که بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش های یکسانی در تبادلات فیما بین خود استفاده می کنند. فوکویاما (۱۹۹۷) معتقد است که قبل از ورود به سیستم تجاری یا اقتصادی و اجتماعی باید اطلاعات کافی درباره شبکه های اعتماد موجود در آن سیستم و ویژگی های مرتبط با آن داشته باشیم. چرا که اعتماد را پایه هرگونه مبادلات اقتصادی و اجتماعی می داند. مفهوم مرتبط دیگری که با مفهوم سرمایه اجتماعی مورد تدقیق و تعریف قرار گرفت؛ مفهوم «شعاع اعتماد» است. این مفهوم به میزان گستردگی دایره همکاری و اعتماد متقابل اعضای یک گروه اشاره می کند. هرچه یک گروه اجتماعی دارای شعاع اعتماد بالاتری باشد، میزان سرمایه اجتماعی نیز بیش تر خواهد بود. همچنین، منابع سرمایه اجتماعی از طریق روش درجه ای مشخص می شوند و شامل مدنیت، مشارکت در شبکه های غیررسمی و سازمان های داوطلبانه، اعتماد عمومی (تعمیم یافته) و هنجارهای تعامل دوجانبه است. در نهایت اذعان می کنیم که سرمایه اجتماعی یک ماهیت چند بعدی دارد [۱]. سرمایه اجتماعی واژه ای است که در سال های اخیر وارد حوزه علوم اجتماعی و اقتصاد شده و در پیچه ی تازه ای را در تحلیل و علت یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشوده است. در این زمینه مطالعات وسیعی توسط صاحب نظران و دانشمندان این علوم صورت گرفته و نظریه پردازی همچون جین جاکوب (۱۹۶۱)، لوری (۱۹۷۰)، بن پرات (۱۹۸۰)، ویلیامسن (۱۹۸۱)، بیکر (۱۹۸۳)، جیمز کلن (۱۹۶۶)، رابرت پاتنام (۱۹۷۰)، پیربوردیو (۱۹۸۰) و فرانسین فوکویاما (۱۹۹۰) تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده اند.

"توسعه" فرایندی است که طی آن قابلیت ها یا توانایی های بالقوه یک شی یا موجود زنده و پویا تحقق می یابد. انسان و مجموعه انسان ها دارای توانایی های بالقوه ناشناخته بسیاری هستند که در صورت رسیدن به آگاهی از این توانایی ها، حرکت و تکاپوی بیش تری برای آن ها فراهم می آید. "توسعه اجتماعی" که تعاریفی گوناگون از آن ارائه شده، در یک معنای موجز، بهتر شدن وضعیت زندگی اجتماعی انسان هاست که جنبه های مختلفی را هم چون بهداشت و درمان، مسکن و جان پناه، آموزش، اشتغال، جمعیت و تنظیم خانواده، درآمد ملی و توزیع آن و برنامه های تأمین اجتماعی در بر می گیرد که شاخص هایی است که دولت ها ملزم به رعایت آن در برنامه های توسعه اجتماعی خویش می باشند. در جهان وضعیت توسعه اجتماعی یکسان و یکنواخت نیست و بعضی از کشورها جلوتر از سایر کشورها می باشند. "توسعه اجتماعی" دارای اصولی است که مهم ترین آن ها عبارت اند از شناخت اشتیاق و تمایل ضمیر ناخودآگاه انسان (اعضای جامعه) در جهت برآوردن نیازهای خویش و بی پایان بودن این تلاش ها به خاطر نامحدود بودن استعداد بشری و از این رو توسعه به صورت بالقوه بی پایان است [۲]. توسعه اجتماعی در یک معنای عام می تواند به تلاش در جهت به فعل رساندن توانایی ها و قابلیت های انسان در حوزه اجتماع باشد. این تلاش در گرو برآوردن نیازهای اولیه اوست که خود معلول توسعه دیگری به نام توسعه اقتصادی است. در توسعه اقتصادی انتظار این است که بیش از نیازهای اولیه تأمین شود. این مقاله در پی بررسی راه کارهای تقویت سرمایه اجتماعی در افراد جامعه و حرکت به سوی توسعه اجتماعی می باشد. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از: آیا تقویت سرمایه اجتماعی می تواند سبب حرکت جامعه به سوی لایه های توسعه اجتماعی شود؟

مفهوم سرمایه اجتماعی

در یک نظام اجتماعی، تقابل میان کنش گران، پایه و اساس نظام به شمار می رود. بر مبنای کنش های هدفمند، این تقابل در راستای تأمین اهداف نهایی کنش گران است. تقابل در مبادلات دائمی کالا و خدمات بین افراد و گروهها در هر شکل ساده ای از

یک جامعه دیده می‌شود و این، جامعه را از یک طرف در تولید هنجارهای مشترک، هویت مشترک، اعتماد و اطمینان و از طرف دیگر روابط اقتصادی قوی با یکدیگر متحد می‌سازد [اسوندسن^۱، ۳]. منظور از سرمایه اجتماعی انسجام درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزشهای حاکم بر تعاملات فیما بین مردم و نهادهایی است که این هنجارها و ارزشها در آن تعبیه می‌شوند. سرمایه اجتماعی به منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسانی میسر نمی‌شود [فاین^۲، ۴]. کلمن^۳ (۱۹۹۰) معتقد است سرمایه اجتماعی، به نوبه خود، هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌هایی دگرگون شود که کنش را تسهیل کند. مفهوم سرمایه اجتماعی بر منافع بالقوه پیوندهای اجتماعی احاطه دارد [مگدول و بسل^۴، ۵]. از دیدگاه کلمن، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. به دیگر سخن "سرمایه اجتماعی" عبارت است از ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. به عبارت دیگر، مفهوم "سرمایه اجتماعی" دارای دو جز مهم است: ۱- سرمایه اجتماعی منابع جا گرفته در روابط اجتماعی را نسبت به روابط فردی نمایان می‌کند. ۲- دسترسی و استفاده از منابع موجود در اجتماع تنها با عضویت در شبکه‌های اجتماعی مذکور قابل کسب است. بنابراین "سرمایه اجتماعی" یک جایگاه مشترک برای اعضا و شبکه‌ها خلق می‌کند تا با استفاده از این سرمایه به سود و رفاه بالاتر رسند [سوی‌میناندا^۵، ۶]. به بیان کلی ادواردز^۶ (۲۰۰۴)، عقیده دارد که، "سرمایه اجتماعی" به ارزش‌ها و هنجارهایی مربوط است که از پیوندها و روابط متقابل گروهی اجتماعی تفاهم شده مردم نشأت گرفته و به نوبه خود پدیدآورنده آن پیوندها و روابط نیز محسوب می‌شود.

"سرمایه اجتماعی" با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارد: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند واکنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرما به مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد [۷].

تئوری سرمایه اجتماعی، اشاره به منابعی دارد که افراد به واسطه حضور و یا تعلقشان به یک گروه اجتماعی به آنها دسترسی می‌یابد. این گروه می‌تواند به بزرگی ملت و یا به کوچکی خانواده باشد. منابع نیز می‌توانند شامل چیزهایی مملوس همچون پول، مسکن، شغل، حمایت اجتماعی و یا امکانات غیر مملوسی همچون اطلاعات مفید، مشاوره فکری و آرامش روحی باشند. جامعه داری سرمایه اجتماعی زیاد، جامعه‌ای است که شبکه روابط وسیع تری داشته باشد و این روابط از عمق صمیمیت و اعتماد قابل توجهی بر خودار بوده و افراد دارای میزان قابل توجهی از سرمایه فیزیکی، انسانی و یا فرهنگی باشند. مفهوم سرمایه اجتماعی، اهمیت اساسی شبکه‌های قوی، روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری را در اجتماعات آشکار می‌سازد. سرمایه اجتماعی مجموعه از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تامین خواهد کرد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از روابط فعال در بین افراد، اعتماد، فهم متقابل و ارزش‌ها و رفتارهای مشترک است که اعضای شبکه‌ها و اجتماعات انسانی را به هم پیوند می‌دهد.

^۱ Svendsen

^۲ ineF

^۳ Coleman

^۴ Magdol and Bessel

^۵ Soumynananda

^۶ Edwards

دهد و همکاری بین آنها را امکان پذیر می سازد [۸]. سرمایه اجتماعی اهمیت اساسی شبکه های قوی، روابط مبتنی بر اعتماد و همکاری را در اجتماعات آشکار می سازد. "گوشال و ناهاپیت" سرمایه اجتماعی را به عنوان جمع منابع بالفعل و بالقوه موجود در درون، قابل دسترس از طریق، و ناشی شده از شبکه روابط یک فرد یا یک واحد اجتماعی تعریف می کنند [همان].

تعریف سرمایه اجتماعی

کالمن سرمایه اجتماعی را اینگونه تعریف می کند:

... سازمان اجتماعی سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهد که راه رسیدن به اهداف را هموار می نماید. اهدافی که در غیاب این سرمایه دست نیافتنی خواهند بود و یا تنها با هزینه ای بالاتر می توان به آنها دست یافت [۹].

پاتنام و سایرین سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می کنند:

... سرمایه اجتماعی ویژگی های کیفی از سازمان اجتماعی است از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه ها که می توانند کارایی اجتماعی را بهبود بخشند [۱۰].

فوکویاما سرمایه اجتماعی را این گونه تعریف می کند:

سرمایه اجتماعی توانایی افراد برای کار با یکدیگر در جهت اهداف عمومی در گروه ها و سازمان ها است. سرمایه اجتماعی را می توان به عنوان وجود مجموعه مشخصی از قواعد و هنجارهای غیر رسمی مشترک میان اعضای یک گروه که همکاری میان آن ها را امکان پذیر می سازد، تعریف نمود. قواعد و هنجارهای مشترک به تنهایی سرمایه اجتماعی ایجاد نمی کنند، زیرا ممکن است ارزش ها، ارزش های نادرستی باشند. . . هنجارهایی که سرمایه اجتماعی ایجاد می کنند. . . باید واقعاً در بر گیرنده فضائی نظیر راستگویی، انجام تعهدات و عمل متقابل باشند [۱۱].

در چهار تعریف بالا چند نکته با اهمیت در باره سرمایه اجتماعی می توان گفت [۱۲]:

- سرمایه اجتماعی با تشکیل اجتماعات تشکیل خواهد شد.

- سرمایه اجتماعی از طریق تعامل اعضای گروه های اجتماعی تشکیل خواهد شد.

- وجود هدف های هم سو در گروه های اجتماعی منجر به ایجاد احساس همکاری با یکدیگر خواهد شد.

- بدون هزینه دست رسی به اهداف بسیار زیاد تر خواهد شد.

- همکاری بین اعضای گروه در سایه اعتماد، هنجارهای مثبت، شبکه ها و کنش جمعی دست یافتنی خواهد بود.

- ویژگی هایی از نوع همکاری، همیاری، کنش های جمعی، مجموعه مشخصی از قواعد و هنجارهای غیر رسمی مشترک و ویژگی های کیفی هستند که عناصر سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند.

- سرمایه اجتماعی در بر گیرنده فضائی نظیر راستگویی، انجام تعهدات و عمل متقابل است.

- این روابط اجتماعی در صورتی عنوان "سرمایه اجتماعی" به خود می گیرند که در قالب رفتارها، احساس همدلی و تعهد را به صورت پایدار و مکرر بوجود آورده و منافع بالقوه را تضمین نمایند.

عناصر سرمایه اجتماعی

ناهاپیت و گوشال (۱۹۸۰) با رویکرد سازمانی جنبه های مختلف سرمایه اجتماعی را در سه طبقه جای می دهند: جنبه های ساختاری، رابطه ای و شناختی [۱۳].

۱- عنصر ساختاری

اشاره به الگوی کلی تماس های بین افراد دارد یعنی، شما با چه کسانی و چگونه دسترسی دارید. مهمترین جنبه های این عنصر عبارتند از روابط شبکه ای بین افراد؛ پیکر بندی شبکه ای؛ و سازمان مناسب.

^۷ - Nahapiet,j,ghoshal,s

الف- روابط شبکه‌ای: روابط اجتماعی ایجاد کننده کانال های اطلاعاتی هستند که میزان زمان و سرمایه گذاری مورد نیاز برای گرد آوری اطلاعات را کاهش می دهند. ب- پیکربندی روابط شبکه ای: سه ویژگی ساختار شبکه: تراکم، پیوند، و سلسله مراتب همگی از طریق تاثیر بر میزان تماس یا قابلیت دسترسی اعضاء شبکه باعث انعطاف پذیری و سهولت تبادل اطلاعات می شوند. ج- سازمان مناسب: سازمان های اجتماعی مناسب می توانند یک شبکه بالقوه دسترسی به افراد و منابعشان از جمله اطلاعات و دانش را فراهم کند، و از طریق ابعاد شناختی و رابطه ای سرمایه اجتماعی ممکن است مانع این تبادل شوند.

۲- عنصر شناختی

اشاره به منابعی دارد که فراهم کننده مظاهر، تعبیر ها و تفسیر ها و سیستم های معانی مشترک در میان گروه ها است. الف- زبان و کدهای مشترک: زبان کارکرد مستقیم و مهمی در روابط اجتماعی دارد و بر ادراکاتمان اثر می گذارد. کد ها هم یک چارچوب مرجع برای مشاهده و تفسیرمان از محیط فراهم می کند. ب- حکایات مشترک: اسطوره ها، داستان ها و استعاره ها ابزار های قدرتمندی در اجتماعات برای ایجاد، تبادل، و نگهداری مجموعه های غنی معانی فراهم می کنند

۳- عنصر رابطه ای

توصیف کننده نوعی روابط شخصی است که افراد با یکدیگر به خاطر سابقه تعاملات شان برقرار می کنند. الف- اعتماد: در جایی که روابط مبتنی بر اعتماد در سطح بالایی وجود دارد، افراد تمایل زیادی برای تبادل اجتماعی و تعامل همکارانه دارند. ب- هنجارها: هنجار های همکاری می توانند پایه ای قوی برای ایجاد سرمایه فکری بوجود آورند. ج- الزامات و انتظارات: نشان دهنده یک تعهد یا وظیفه برای انجام فعالیتی در آینده است. د- هویت: فرایندی است که در آن افراد احساس می کنند با فرد یا گروهی از افراد دیگر عضو یک گروه واحد هستند

پیشینه تحقیق

سرمایه اجتماعی به عنوان روابطی که افراد با هم ایجاد می کنند در دهه ۱۹۹۰ مفهوم مهمی شد و در رشته های علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفت [۱۴]، مفهوم سرمایه اجتماعی را نخستین بار شخصی به نام "هانی فان" در سال ۱۹۲۰، به کار برد [۱۵]. پس از آن در اثر کلاسیک "جین جیکوب" در ۱۹۶۱ با عنوان "مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی" به کار رفته است، در آن اثر "جیکوب" توضیح داده که شبکه های اجتماعی فشرده در محدوده های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می دهند [۱۶].

هر کدام از محققان برای سرمایه اجتماعی و سنجش آن در جوامع مختلف، مولفه های گوناگونی را در درون جامعه مورد توجه قرار داده اند، از جمله "جی گرزانی" مشارکت شهری و دسترسی به شبکه های اجتماعی را از عوامل تعیین کننده سرمایه اجتماعی می داند. همچنین "کریستین استفانز" بهداشت جوامع را یکی از عوامل مهم در وضعیت، سرمایه اجتماعی دانسته است [۱۷]. عده ای نیز چهار عامل اصلی اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، آگاهی و مشارکت رسمی و آگاهی و مشارکت غیر رسمی (خیریه ای - مذهبی و همیارانه) را به عنوان مولفه های اساسی سرمایه اجتماعی ذکر نموده اند [۱۸]. سرمایه اجتماعی خصوصاً در سال های اخیر از ابعاد مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. از لحاظ اجتماعی، توسعه اجتماعی به عنوان عاملی برای موفقیت در برنامه های رفاه اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد و به همین دلیل نیز امروزه در بررسی و تدوین شاخص های اجتماعی و توسعه توسط، سازمان های معتبر جهانی جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است [۱۹]. همچنین نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت اجتماعی [۲۰]، رضایت از کیفیت زندگی، اثبات شده است. علاوه بر این تاثیر، سرمایه اجتماعی در میزان وقوع جرم در سطوح کلان و خرد نیز اثبات شده است [۲۱]. در بعضی جوامع نیز پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی باعث گرایش مردم به سمت مشروبات الکلی شده است [۲۲].

^۸. Gerxhani

صادقی و عمادزاده (۱۳۸۲)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر آموزش عالی بر رشد اقتصادی ایران پرداختند و کشش‌های تولید سرمایه انسانی و دیگر عوامل تولید به منظور شناسایی اهمیت سرمایه انسانی در مقایسه با سایر عوامل تولید، برآورد گردیده است.

رنانی و همکاران (۱۳۸۵) نقش اعتماد را در افزایش یا کاهش سهم حضور کارآفرینان در عرصه اقتصاد مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی آنان نشان داد که نرخ رشد اقتصاد علاوه بر تأثیرپذیری از نرخ رشد سرمایه‌های اقتصادی و انسانی از اعتماد (سرمایه اجتماعی) نیز تأثیر می‌پذیرد. در این تحقیق رشد سرمایه اجتماعی بیش از رشد سرمایه انسانی، توانسته رشد اقتصادی را متأثر سازد.

تقوی و محمدی (۱۳۸۵)، با بکارگیری مدل رشد درونزای لوکاس و با فرض بازدهی ثابت نسبت به مقیاس، با استفاده از آمارهای موجود در دوره زمانی ۱۳۸۱-۱۳۳۸ به بررسی تأثیر رشد شاخص‌های سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی ایران پرداختند. نتایج به دست آمده نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار، رشد سطح سواد در بزرگسالان و نیز رشد متوسط سال‌های تحصیل نیروی کار، بعنوان شاخص‌هایی از سرمایه انسانی روی رشد تولید ناخالص داخلی می‌باشند، بنابراین سرمایه گذاری در زمینه نیروی انسانی و بالا بردن کیفیت نیروی کار، علاوه بر منافع اجتماعی، رشد اقتصادی کشور را نیز تحت تأثیر قرار داده و منافع بلندمدت آن، مسیر دستیابی کشور به اهداف توسعه اقتصادی را هموارتر می‌نماید. اگرچه تلاش برای افزایش سطح سرمایه انسانی کشور، شرط لازم برای دستیابی به اهداف توسعه کشور است؛ اما شرط کافی نیست.

سعادت (۱۳۸۷)، در مقاله خود با استفاده از روش فازی، اقدام به تخمین سطح سرمایه اجتماعی، روند آن و تعیین عناصر و متغیرهای اصلی تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی در ایران اقدام کرده است. در این بررسی از دو شاخص میزان مشارکت جمعی (نسبت تعداد اعضای کانون‌های فرهنگی هنری به جمعیت) و میزان جرائم (نسبت تعداد پرونده‌های قضایی به جمعیت) برای برآورد سرمایه اجتماعی استفاده شده، که روند به صورت سری زمانی استخراج شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی طی دوره‌ی مورد نظر، دارای نوسانات متعددی است؛ که این نوسانات ناشی از مسایل سیاسی، تاریخی و فرهنگی می‌باشد و در بلندمدت، یک روند نزولی خفیف را طی کرده است.

سوی میاناندا (۲۰۰۷) در بررسی خود به تشکیل سرمایه اجتماعی از طریق سرمایه انسانی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی ۶۳ کشور دنیا پرداخته است. این مطالعه ابتدا با وارد کردن سرمایه‌های سه‌گانه - فیزیکی، انسانی و اجتماعی - در تابع تولید و بررسی اثرگذاری‌اشان بر روی رشد، به توضیح اثرات متقابل هر یک بر روی دیگری می‌پردازد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است و سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از عوامل تشکیل دهنده تابع تولید معرفی می‌کند. از طرف دیگر، در مورد روابط متقابل سرمایه‌های اجتماعی و انسانی نیز به این نتیجه دست یافته است که بین شاخص اعتماد و متوسط سال‌های تحصیل، همچنین شاخص اعتماد و سطح درآمد سرانه ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

یوان کی. چو (۲۰۰۳)، در مقاله خود به معرفی سه مدل از اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصاد می‌پردازد. در این مدل - ها، تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی به واسطه این مفاهیم دسته‌بندی و بیان شده است: (۱) تأثیر بر انباشت سرمایه انسانی و رشد، (۲) تأثیر بر توسعه مالی از طریق اثرات آن بر اعتماد جمعی و هنجارهای اجتماعی، (۳) تسهیل شبکه - سازی بین بنگاه‌ها و خلق و ایجاد نوآوری و تکنولوژی.

سودا و ایشیس (۲۰۰۵)، در مقاله خود با مطالعه بر روی کشورهای OECD به دنبال بیان نحوه اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی می‌باشند. نتایج بررسی آنها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی به طور معنی‌دار و مثبتی بر رشد اقتصادی موثر است، ولی اندازه تأثیرگذاری آن کوچکتر از تأثیرگذاری سرمایه فیزیکی یا سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی می‌باشد.

مزایای سرمایه اجتماعی:

مزایای سرمایه اجتماعی را بطور کلی می‌توان در چند محور اساسی به شرح زیر بیان نمود:

- هزینه های مدیریتی نظیر نظارت و کنترل، ریزنیهای مدیریتی، کندی ناشی از سیستم بوروکراتیک کاهش می یابد. در واقع با استفاده از سرمایه اجتماعی، هزینه های سازمان کاهش می یابد.

- امکان استفاده بهینه از سرمایه های مادی، انسانی و طبیعی در جهت انجام فعالیت ها با بهره وری بیشتر فراهم می شود که حاصل آن کاهش هزینه فرصت و افزایش سرعت انجام کار و تحقق برنامه ها است.

- در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست می دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه های توسعه و تکامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ناهموار و مشکل می شود.

با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی باید توجه داشته باشیم که با زوال آن مواجه نشویم. آنچه که در جوامع امروزی سرمایه های اجتماعی را می تواند در خطر و تهدید قرار دهد هر عاملی است که ارتباط اجتماعی را تضعیف کند از قبیل عامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بنابر این کم رنگ شدن ارتباطات اجتماعی، جایگزین شدن ابزارها و شبکه های مجازی و ارتباطی، گسست هویت های ملی، فرهنگی، بومی و منطقه ای عواملی هستند که به زوال سرمایه اجتماعی کمک می کند. اقداماتی که توسط دولت ها می تواند برای تقویت سرمایه های اجتماعی انجام شود عبارتند از:

۱. تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی. ۲. تقویت و غنی سازی آموزش های عمومی. ۳. پرهیز از تصدی گری بخش های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی. ۴. ایجاد و تقویت شبکه های اعتماد بین آحاد مختلف مردم. ۵. توجه به هویت ملی، دینی و فرهنگی. ۶. فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تدوین دستورالعمل ها و قوانین مورد نیاز برای توسعه نهادها و شبکه های اجتماعی و ارتباطی.

دلایل پیدایش توسعه اجتماعی

اندیشمندان علوم اجتماعی به این نتیجه رسیدند که توسعه اقتصادی، با توجه به مشاهدات، ضمن این که به طور انکارناپذیری ضروری است، می تواند به پیامدهای نامطلوب معینی بیانجامد. توسعه اقتصادی باید با اهداف اجتماعی خاصی وفق داده شود. اگر چه نرخ های رشد، ارقام GNP (رشد ناخالص ملی) و درآمد سرانه مطلوب می باشند، اما باید به مسائلی همچون فقر، تهی دستی، تحقیر و فروماندگی گروه های بزرگی از جامعه توجه می شد و لذا اندیشمندان تصمیم گرفتند که به جای GNP به رفاه ناخالص ملی (GNW) و توسعه اجتماعی بیاورند. لذا در این راه دست به اقدامات ذیل زدند: ۱. به جای تأکید بر فرد، بر اجتماعات بزرگ تری که دربرگیرنده اکثریت فقیر باشد، تأکید می نمودند. ۲. تعریف مجدد اهداف اجتماعی برحسب تأمین نیازهای بشر و ارتقای کیفیت زندگی. ۳. جرح و تعدیل استراتژی های برنامه ریزی و اجرا برای به حساب آوردن تقابل میان اهداف اقتصادی و فرهنگی. ۴. ایجاد یک ساختار نهادی توزیع مجدد برای نیل به اهداف اجتماعی جدید و رشد و گسترش دادن یک استراتژی وسیع برای تغییر سازمانی و ارزشی برای تضمین دستیابی سریع به اهداف اجتماعی باز تعریف شده. ۵. ایجاد قواعد و تنظیم شاخص ها برای ارزیابی ترقی اجتماعی و تشخیص و ارزیابی گرایش های اجتماعی در حال ظهور. ۶. تنظیم معیارهایی برای تضمین سطوح رشد پایدار. لذا فعالیت های خود را در سه حوزه هنجارآفرینی، قانون گذاری و اجرایی، به منصف ظهور رساندند. ایجاد نهادهایی که به امور رفاه و بهداشت اجتماعی و توجه به اقشار ضعیف می پرداختند، نمونه هایی از این دست فعالیت ها در کشورهای مختلف می باشد. علت این امر را باید در آن دانست که دولت ها با این امر روبه رو شدند که انسان دارای نیازهایی است که جنبه های مختلفی را در بر می گیرد: ۱. نیاز به بقا: که با تهیه و تدارک تغذیه، مسکن، پوشاک، اشتغال سودمند، دارو و درمان پیشگیری کننده و شفابخش و حمایت از حیات و دارایی، تأمین می شود. ۲. نیازهای اجتماعی:

در برگیرنده ایجاد اجتماعات پایدار و بادوام، ارتقای روح

جمعی و انسجام اجتماعی، توسعه راهکارهای مؤثر حل مناقشه و برقراری توافق نظرعام، رشد و گسترش و تقویت هنجارهای انضباط اجتماعی. ۳. نیازهای فرهنگی و روانی، در برگیرنده آزادی شخصی، زندگی خصوصی، فراغت، بهره برداری از فراغت به صورت خلاقانه و داشتن فرصت برای پیشرفت و توسعه همه جانبه. ۴. نیازهای رفاهی، داشتن سهمی عادلانه در رفاه و آسایش. ۵. نیازهای انطباقی و سازش بخش در ارتباط با محیط. ۶. نیازهای ترقی در رشد علمی، تکنولوژیک و توسعه مهارت های انسانی.

همه این نیازها نمی توانند با توسعه اقتصادی تأمین گردند، لذا اندیشمندان و دولت ها را بر آن داشت تا در کنار تأمین نیازهای بقا که از نیازهای اولیه انسان بود به دیگر نیازهای او نیز توجه داشته باشند. اگر چه هنوز هم کشورهایی در جهان هستند که مرحله اول تأمین نیازهای انسان مانده اند، اما اکثریت کشورها در توجه به نیازهای اجتماعی و فراتر از نیازهای بقای او، درنگ را وارد ندانسته اند [۲].

شاخص های توسعه اجتماعی

به لحاظ تاریخی، اولین سند مهم سازمان ملل متحد در باب توسعه اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۳۴۲ است. گروهی از کارشناسان در باره تعریف بین المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه اجتماعی، که در آن زمان سطوح زندگی نام گذاری شده بود، گزارش مفصلی را تهیه کرده - بودند. شاخص های این گزارش عبارت بودند از: ۱. بهداشت، شامل شرایط جمعیت شناختی؛ ۲. غذا و تغذیه؛ ۳. آموزش - و پرورش، شامل مواد و - مهارت آموزی؛ ۴. شرایط کار؛ ۵. وضعیت - اشتغال؛ ۶. مصرف کل پس - اندازها؛ ۷. حمل و نقل؛ ۸. مسکن، - شامل تسهیلات خانگی؛ ۹. پوشاک؛ ۱۰. تفریح - و استراحت؛ ۱۱. امنیت اجتماعی و ۱۲. آزادی های بشری [۲۳].

در مجموع اگر بخواهیم دسته بندی ای از شاخص های به کار گرفته شده در طی سالیان اخیر برای سنجش توسعه اجتماعی و اجتماعی ارائه دهیم می توانیم، چنین شاخص های پیشنهادی را در چهار دسته طبقه بندی کنیم: نخستین دسته به شرایط زندگی: بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و مشابه آن ها اشاره دارد. دسته دوم به جنبه های اطلاعاتی و فرهنگی: سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه ها، روزنامه ها، موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا می پردازد. سومین دسته مربوط به مسائل اجتماعی: حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کودکان کار، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط زیست است. دسته چهارم نیز شاخص های مربوط به ذهن و جان آدمی: خوشبختی، احساس امنیت، رضایت مندی، آرامش، امید به زندگی و مشابه آن ها است [۲۴]. به طور خاص در حوزه توسعه اجتماعی، در دهه ی اخیر تلاش های وسیعی برای تعیین شاخصی مستقل صورت پذیرفته است. از جمله ی مهم ترین این تلاش ها می توان به گزارش توسعه اجتماعی در سال ۲۰۰۶ در کشور هند اشاره کرد. در این گزارش با در نظر گرفتن شش بعد اصلی توسعه اجتماعی، سعی شده تا یک شاخص مرکب از این سازه ی مفهومی ایجاد گردد [۲۵].

نتیجه گیری

بطور کلی عوامل مهم که در زوال سرمایه اجتماعی نقش تاثیر گذاری دارند معطوف به کم رنگ شدن ارتباطات اجتماعی، جایگزین شدن ابزارها و شبکه های مجازی و ارتباطی، گسست هویت های ملی، فرهنگی، دینی و هویت های بومی و منطقه ای است. تئوری های رشد و توسعه نتوانستند تفاوت کشورها در رشد را بیان کنند ولی با کمک سرمایه اجتماعی که حلقه مفقوده این تئوری ها بود، این تفاوت ها به خوبی روشن شده است. انسجام، شبکه روابط، اعتماد و مشارکت، چارچوب هایی هستند که بایستی محتوای آن را با توجه به شرایط هر کشور که نیازمند توسعه است، تعریف و اجرایی نمود. در دیدگاه های سنتی مدیریت توسعه، سرمایه های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهم ترین نقش را ایفا می کردند اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از آنچه به سرمایه اقتصادی، فیزیکی و انسانی نیازمند باشیم به سرمایه اجتماعی نیازمندیم زیرا بدون این سرمایه، استفاده از دیگر سرمایه ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. در جامعه ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است سایر سرمایه ها ابتر می مانند و تلف می شوند. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل اساسی برای نیل به توسعه اجتماعی محسوب شده و حکومت ها و دولت مردانی موفق قلمداد می شوند که بتوانند با اتخاذ سیاست های لازم و ارائه راهکارهای مناسب در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند. وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی است و فقدان سرمایه اجتماعی مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن است. جوامع دارای این نوع سرمایه بستر مناسبی بر ای شکل گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخ گو و کارآمد فراهم می سازند. اما در مقابل، تهی شدن یک جامعه از

سرمایه اجتماعی به ناکارآمدی بسیاری از سیاست ها و طرح های پیشنهادی در حوزه برنامه ریزی منجر می شود. در شرایط کنونی نیازمند آن هستیم که با دوری از نگرش های تک بعدی به توسعه و در کنار هم قرار دادن دانش به دست آمده از رشته های مختلف، جامعه را به مثابه ی یک کلیت و نزدیک تر به واقعیت آن در نظر گیریم؛ چرا که تغییر در یک بُعد بدون در نظر داشتن اثرات آن بر سایر ابعاد جامعه، در برخی موارد به بروز نتایج ناگواری منجر خواهد شد. در این میان به نظر می رسد اتخاذ رویکردی عام به مفهوم توسعه ی اجتماعی به معنای افزایش توانایی جوامع برای مواجهه با پیچیدگی های محیطی، می تواند راهگشا باشد. این مقاله با همین رویکرد به بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از مفهوم سرمایه اجتماعی و توسعه ی اجتماعی و سنجه های مختلفی که در پی سنجش ابعاد مختلف این مفاهیم از سوی مؤسسات گوناگون است مبادرت کرد.

مراجع

- [۱]. سالارزهی، ح؛ فرخی استاد، م و فرخی استاد، م (۱۳۸۸). انباشت سرمایه اجتماعی و کسب و کارهای خانوادگی .
- [۲]. غلامپور، ا (۱۳۸۴). آشنایی با مفهوم توسعه اجتماعی، دفتر مطالعات سیاسی مجلس شورای اسلامی .
- [۳]. Svendsen, Gunner L.H and Svendsen, Gert T. (۲۰۰۰), "Measuring Social Capital: The Danish Co-Operative Dairy Movement", *Sociology Ruralis*, vol. ۴۰, No.۱, pp.۷۲-۸۶
- [۴]. Fine, Ben (۲۰۰۱). "Social Capital Versus Social Theory: Political Economy and Social Science at the Turn of the Millennium" Rout ledge, First Published .
- [۵]. Magdol, Lynn. & Bessel. Diane. R (۲۰۰۳), "Social Capital, Social Currency, and Potable Assets: The Impact or Residential Mobility on Exchanges of Social Support", *Personal Relationships*, ۱۰, ۱۴۹-۱۶۹.
- [۶]. Soumyananda Diana. (۲۰۰۷), "Social Capital in the Creation of Human Capital and Economic Growth: A Productive consumption approach", *The Journal of Socio Economics*, Soceco. ۶۸۵, No. ۱۴.
- [۷]. الوانی، م، شیروانی، ع، (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی اصل محوری توسعه، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر.
- [۸]. مقیمی، م، (۱۳۸۶)، توسعه سرمایه اجتماعی از طریق کارآفرینی سازمان های مردم نهاد (NGOs)، اولین کنفرانس ملی کارآفرینی، خلاقیت و سازمانهای آینده، تهران.
- [۹]. Coleman, J.S. (۱۹۹۰); *Foundation of Social Capital*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- [۱۰]. Putnam, R. D., with R. Leonardi and R. Y. Nanetti (۱۹۹۳). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- [۱۱]. Fukuyama, Francis. (۱۹۹۷); 'Social capital and the modern capitalist economy: Creating a high trust workplace.' *Stern Business Magazine* ۴.
- [۱۲]. دل انگیزان، س (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی و خوشه های صنعتی و علم و فناوری، مجموعه مقالات همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، سمنان، اسفندماه ۱۳۸۸.
- [۱۳]. هاشمی، ح و نوروزی، م (۱۳۸۸). مفهوم شناسی و بررسی تاثیر دولت بر سرمایه اجتماعی در جامعه، مجموعه مقالات همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، سمنان، اسفندماه ۱۳۸۸.
- [۱۴]. فقیهی، ا و فیضی ط، (۱۳۸۰)، "سرمایه اجتماعی: رویکردی نو در سازمان"، رفاه اجتماعی، ۱ (۲): ۵-۱۸.
- [۱۵]. بهزاد، (۱۳۸۴) "سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان" فصلنامه علمی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶.
- [۱۶]. سعادت، ر، (۱۳۸۵)، "تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان ها" فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.

[۱۷]. Stephens, C, (۲۰۰۸), "Social capital in its place: Using social theory to understand social capital and inequalities in health", *Social Science and Medicine*

[۱۸]. ناطق پور، م و فیروزآبادی، س، (۱۳۸۴)، "سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در شهر تهران" مجله جامعه شناسی ایران، ۵ (۴): ۴۹-۷۲.

[۱۹] شریفیان فم. (۱۳۸۸). مکانیزم توسعه پایدار اقتصادی، مجموعه مقالات همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی، سمنان، اسفندماه ۱۳۸۸.

[۲۰]. موسوی، م، (۱۳۸۵)، مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی " فصلنامه رفاه اجتماعی سال ششم، ش ۲۳.

[۲۱]. چلبی، م و مبارکی، م، (۱۳۸۴)، "برنامه ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار"، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶

[۲۲]. Lindstrom, M, (۲۰۰۸), "Social capital trust and purchase of illegal goods"; A population based studying in southern Sweden, *Sweden Health Policy*, Volume ۸۶.

[۲۳]. زاهدی مازندرانی، م (۱۳۸۶). توسعه و نابرابری، تهران: نشر مازیار.

[۲۴]. اکبری، غ (۱۳۸۰) وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص های توسعه اجتماعی، مقالات همایش توسعه ی اجتماعی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

[۲۵]. فاضلی، محمد؛ فتاحی، سجاد و زنجان رفیعی، نسترن (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخص ها و جایگاه ایران در جهان. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره دوم، شماره ۱، فتاستان ۹۲، صفحات ۱۷۱-۱۴۹.